Defect Elimination from Broad Prosecutorial Discretion in the American Plea Bargaining Model through Digital Case Management: A Comparative Futures Study for the Iranian Criminal Justice System

Azim Aghababaei Taghanaki | Judge & PhD student in Criminal Law and Criminology, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran(Corresponding Author) azimaghababaei@gmail.com,

Hossein Aghababaei | Associate Professor, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran: aghababaei@guilan.ac.ir

Mojtaba Jafari Moslem | PhD student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran, mojtabaja6@gmail.com

Received: 2025-04-24 | **Accepted: 2025-06-23**

Journal of Research and Development in Comparative Law

Iranian Law and Legal Research Institute

Vol. 8 | No. 29 | winter 2026 (Original Article)

www.jcl.illrc.ac.ir

10.22034/law.2025.2058797.1640

Abstract

Ple agreement, as a key tool in managing criminal cases, has become a widely used method to expedite proceedings with the expansion of managerial approaches in criminal justice systems, especially in the United States. However, the prosecutor's broad discretionary powers in this process may lead to abuses such as violations of defendants' rights, false confessions, and non-transparent decision-making. In Iran, the lack of a clear separation between prosecution and investigation - which often places the prosecutor in both roles - exacerbates these risks. Using a descriptive-analytical method and a comparative review of library sources, this study, addresses the question of how digital case management can reduce the harms caused by the prosecutor's unlimited powers if plea agreement is adopted

in Iranian criminal justice system. Although plea agreement is not yet provided for in Iranian procedural laws, the growing managerial orientation within the judiciary increases the likelihood of its future acceptance. The findings indicate that the Case Management System (CMS), with its capability to record digital data, offers effective tools to mitigate the harms arising from the prosecutor's broad powers.Video recording of the bargaining process, documenting justificatory evidence in the electronic file for presentation to the court, and digital screening of crimes based on severity enhance transparency and accountability. Video recording ensures oversight of prosecutorial behavior and the authenticity of agreements, recording justificatory evidence preserves adherence to the presumption of innocence, and digital screening prioritizes cases, allocating judicial resources to serious crimes. This study is the first to propose that digital case management limits prosecutorial abuse and increases public trust in Iranian criminal justice system. For the fair implementation of charge bargaining, it is recommended that: (1) regulations for mandatory video recording with technical standards be codified; (2) recording justificatory evidence in the CMS be required as a prerequisite for bargaining; (3) crime-oriented screening algorithms be designed to prioritize cases; and (4) periodic reports on the CMS performance be published for public oversight. These measures, by combining technology and supervision, will pave the way for the fair and efficient implementation of charge bargaining in Iranian future criminal justice system.

Keywords: Plea Bargaining, Digital Case Management, New Public Management, Case Management System, Prosecutor's Discretion

Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International

آسیب‌زدایی از اختیارات گسترده‌ی دادستان در مدل آمریکایی چانه‌زنی اتهام از طریق مدیریت دیجیتال پرونده: آینده‌پژوهی تطبیقی برای نظام عدالت کیفری ایران

عظیم آقابابائی طاقانکی
دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
azimaghababaei@gmail.com

حسین آقابابایی
دانشیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
aghababaei@guilan.ac.ir

مجتبی جعفری مسلم
دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
mojtabaja6@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۲

فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی
پژوهشکده حقوق و قانون ایران
دوره ۸ | شماره ۲۹ | زمستان ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)
www.jcl.illrc.ac.ir
DOI:
10.22034/law.2025.2058797.1640

چکیده

چانه‌زنی اتهام، به‌عنوان ابزاری کلیدی در مدیریت پرونده‌های کیفری، با گسترش رویکردهای مدیریت‌گرایانه در نظام‌های عدالت کیفری، به‌ویژه در ایالات متحده، به روشی پرکاربرد برای تسریع رسیدگی‌ها تبدیل شده است. بااین‌حال، اختیارات گسترده دادستان در این فرایند می‌تواند به سوءاستفاده‌هایی مانند نقض حقوق متهم، اقرارهای کاذب و تصمیم‌گیری‌های غیرشفاف منجر شود. در ایران، عدم تفکیک کامل مقام تعقیب از تحقیق، که اغلب دادستان را در هر دو نقش قرار می‌دهد، این مخاطرات را تشدید می‌کند. چانه‌زنی اتهام، به‌عنوان ابزاری کلیدی در مدیریت پرونده‌های کیفری، با گسترش رویکردهای مدیریت‌گرایانه در نظام‌های عدالت کیفری، به‌ویژه در ایالات متحده، به روشی پرکاربرد برای تسریع رسیدگی‌ها تبدیل شده است. بااین‌حال، اختیارات گسترده دادستان در این فرایند می‌تواند به سوءاستفاده‌هایی مانند نقض حقوق متهم، اقرارهای کاذب و تصمیم‌گیری‌های غیرشفاف منجر شود. در ایران، عدم تفکیک کامل مقام تعقیب از تحقیق، که اغلب دادستان را در هر دو نقش قرار می‌دهد، این مخاطرات را

تشدید می‌کند.
هرچند چانه‌زنی اتهام هنوز در قوانین شکلی ایران پیش‌بینی نشده، اما گسترش رویکردهای مدیریت‌گرایانه در قوه قضائیه، احتمال پذیرش آن را در آینده تقویت می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد سامانه مدیریت پرونده (سمپ) با قابلیت ثبت داده‌های دیجیتال، ابزارهایی مؤثر برای کاهش آسیب‌های اختیارات گسترده دادستان ارائه می‌دهد. ضبط ویدئویی فرایند چانه‌زنی، ثبت ادله توجیهی در پرونده الکترونیکی برای ارائه به دادگاه، و غربال‌گری دیجیتال جرایم بر اساس شدت جرم، شفافیت و پاسخگویی را تقویت می‌کنند. ضبط ویدئو نظارت بر رفتار دادستان و اصالت توافق‌ها را تضمین می‌کند، ثبت ادله توجیهی پایبندی به اصل برائت را حفظ می‌کند، و غربال‌گری دیجیتال با اولویت‌بندی پرونده‌ها، منابع قضایی را به جرایم مهم اختصاص می‌دهد. این پژوهش برای اولین بار پیشنهاد می‌کند که مدیریت دیجیتال پرونده، سوءاستفاده از اختیارات دادستان را محدود کرده و اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری ایران را افزایش می‌دهد. برای اجرای عادلانه چانه‌زنی اتهام، پیشنهاد می‌شود: ۱) آیین‌نامه‌ای برای ضبط اجباری ویدئو با استانداردهای فنی تدوین شود؛ ۲) ثبت ادله توجیهی در سمپ به‌عنوان پیش‌نیاز چانه‌زنی الزامی گردد؛ ۳) الگوریتم‌های غربال‌گری جرم‌محور برای اولویت‌بندی پرونده‌ها طراحی شوند؛ ۴) گزارش‌های دوره‌ای از عملکرد سمپ برای نظارت عمومی منتشر شود. این تدابیر با تلفیق فناوری و نظارت، زمینه‌ساز اجرای عادلانه و کارآمد چانه‌زنی اتهام در آینده نظام کیفری ایران خواهند بود.

کلیدواژه‌ها: چانه‌زنی اتهام، مدیریت دیجیتال پرونده، مدیریت دولتی نوین، سامانهٔ مدیریت پرونده، آزادی عمل دادستان

مقدمه

با توجه به کاربست رویکردهای مدیریت‌گرایانهٔ کیفری در سامانهٔ دادگری کیفری، چانه‌زنی اتهام[1] به یک ابزار مهم برای مدیریت کیفری[2] دادسراها تبدیل شده است. در ایالت متحدهٔ آمریکا اکثر پرونده‌ها از طریق معاملهٔ اتهام به دادگاه ارسال می‌شوند. (Kutateladze et al., 2015: p.431) چانه‌زنی اتهام به عنوان یک پیشنهاد غیراجباری تعریف شده است (Newman, 2024: p.369) و مشتمل بر یک قرارداد بین مقام تعقیب کیفری و متهم پرونده یا وکیل ایشان می‌باشد. به این توضیح که در ازای اقرار متهم، به جای رسیدگی به جرم شدیدتر (مانند سرقت مسلحانه) به جرم خفیف‌تر (مانند سرقت ساده) رسیدگی می‌شود و یا برخی دیگر از اتهامات متهم نادیده گرفته می‌شود و کیفرخواست صرفاً در خصوص یک یا تعداد کمتری از اتهامات صادر خواهد شد. (روشن قنبری، ۱۳۸۹: ص.۱۰۲) در فرایند تعقیب کیفری، دادستان از سه طریق می‌تواند متهم را اغوا به معامله نماید، اول، چانه‌زنی در خصوص ماهیت ارتکاب جرم (چانه‌زنی اتهام[3])، دوم، چانه‌زنی در خصوص حکم و مجازات (چانه‌زنی مجازات[4])، سوم، چانه‌زنی در خصوص حقایق و اطلاعاتی که ممکن است با قاضی رسیدگی‌کننده به موضوع در دادگاه در میان گذاشته شود (چانه‌زنی حقایق[5]). (Manikis & Grbac, 2017: pp.90-91) در کشور ایران در قوانین مربوط به آیین دادرسی کیفری، معاملهٔ اتهام به شکل انگلیسی-آمریکایی آن پیش‌بینی نشده است، ولیکن تأسیسات مشابه این نهاد از جمله قرار تعلیق تعقیب یا بایگانی پرونده در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است. (حیدری، ۱۳۹۵: ص.۴۱). این موضوع بیانگر این است که با توجه به اپیدمی جهانی فرایند نقل و انتقال سیاست‌های کنترل[6] جرم در آینده‌ای نزدیک احتمال کپی‌برداری از این خط مشی در ایران وجود دارد. از آن‌جا که رویکرد غالب مدیریتی دادسراها و دادگاه‌های کیفری در کشور ایران، رویکرد مدیریت

1 Plea Bargaining
2 Penal management
3 Charge bargaining
4 Sentence bargaining
5 Fact bargaining
6 Crime control policy transfer

دولتی نوین[1] می‌باشد، (آقابابائی طاقانکی و کردعلی‌وند، ۱۴۰۳: ص.۱۷۱-۱۷۳) فلذا امکان تمایل دولت ایران به کاربست خطوط مشی مربوط به چانه‌زنی اتهام با وام گرفتن از کشورهای پیشرو در این زمینه در آینده وجود دارد. چراکه در رویکرد مدیریت دولتی نوین، دو هدف بسیار مهم وجود دارد: اول، افزایش سرعت، دوم، کاهش هزینه‌ها، (Buffet et al., 2019 : p.2) و فرایند چانه‌زنی اتهام هر دو هدف را تأمین می‌سازد. (عاقلی مقدم و عاقلی مقدم، ۱۳۹۹: ص.۱۸۹) با این حال فرایند چانه‌زنی اتهام ایراداتی را هم در پی دارد. از زمره این ایرادات می‌توان به نقض حقوق اساسی متهم، نقض اهداف مجازات‌ها، افزایش امکان تکرار جرم به علت عدم بازدارندگی فرایند کیفری، مهارت‌گرایی به جای صداقت‌گرایی در فرایند چانه‌زنی، احتمال نقض حقوق بزه‌دیده (مرادی و دیگران، ۱۳۹۰)، محکومیت بی‌گناهان (کیان ارثی و دیگران، ۱۴۰۰: ص.۱۰۶)، افزایش نرخ اقرارهای نادرست (Kemp & Varona, 2024 : p.92) امکان صدور حکم محکومیت اشتباه برای شخص بی‌گناه (Duce, 2024 : p.278) و غیره اشاره کرد. یکی از ایرادات مهم که در پژوهش‌های ایران به آن پرداخته نشده است، احتمال سوءاستفادهٔ دادستان از فرایند چانه‌زنی اتهام می‌باشد. در فرایند چانه‌زنی اتهام ممکن است دادستان با ترجیح مصلحت بر عدالت، حقوق متهم را نقض کند. کما اینکه حتی در ایالات متحدهٔ آمریکا در یک پرونده دادستان متهمین پرونده را تهدید کرده است که در صورت عدم اقرار به اتهام، اتهامات دیگری را نیز به پروندهٔ آن‌ها خواهد افزود. (Manikis & Grbac, 2017 : p.85) تهدید مقام بازجویی‌کننده در مرحلهٔ تعقیب یا تحقیقات مقدماتی فشار مضاعفی را می‌تواند بر متهم بار کند. (Dripps, 2015 : p.1343) اختیار عمل[2] گستردهٔ دادستان می‌تواند بر این آسیب دامن بزند. این ایراد در کنار سایر ایرادات موجب شده است تا برخی دولت‌ها در پذیرش و کاربست سیاست‌های مربوط به فرایند چانه‌زنی اتهام مردد شوند. با این حال به نظر می‌رسد این مشکل را بتوان با ایجاد محدودیت برای آزادی عمل دادستان و همچنین با یک فرایند صحیح مدیریتی دیجیتال حل نمود.

1 New Public Management (NPM)
2 Discretion

با توجه به استفادهٔ روزافزون از سامانه‌های رایانه‌ای در دستگاه عدالت کیفری، امروزه سبک جدیدی از مدیریت عمومی نوین را شاهد هستیم که شاید بتوان آن را مدیریت دیجیتال عمومی نوین نام‌گذاری نمود. به عنوان مثال امروزه سامانهٔ عدالت جنایی[1] کشور ایران در چنبرهٔ سامانهٔ مدیریت پرونده[2] (سمپ) قرار گرفته است. (آقابابائی طاقانکی و فرجیها، ۱۴۰۳) هرچند ایرادات بسیاری به این سبک مدیریتی وارد است اما با استفاده از ظرفیت‌های این نوع مدیریت می‌توان بسیاری از مشکلات را نیز حل نمود. به نظر می‌رسد بتوان راه‌حل جلوگیری از سوءاستفادهٔ دادستان از اختیارات گسترده در فرایند چانه‌زنی را با مدیریت دیجیتال پرونده حل نمود. در این خصوص در کشور ایران پژوهشی نیز انجام نشده است. با این حال برخی از پژوهش‌های مشابه و مرتبط با چانه‌زنی اتهام مشاهده می‌شود. برخی از پژوهش‌ها به امکان‌سنجی کاربست سیاست‌های مربوط به چانه‌زنی اتهام در حقوق کیفری ایران پرداخته‌اند. برخی از پژوهش‌ها نیز با بیان فواید کاربست این سیاست‌ها، درصدد بسترسازی ورود این خط‌مشی به گفتمان‌های سیاست‌گذاران جنایی در کشور ایران پرداخته‌اند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش‌های احدی و کرمانیان (۱۴۰۰) و آیت و دیگران (۱۴۰۰) اشاره نمود. احدی و کرمانیان (۱۴۰۰) در مقالهٔ «امکان‌سنجی عملیاتی کردن نهاد معاملهٔ اتهام در ایران با تاکید بر مدیریت‌گرایی حقوق کیفری» نتیجه‌گیری کرده‌اند که با توجه به وجود بسترهای هم‌پیوند با نهاد چانه‌زنی اتهام در نظام عدالت کیفری کشورمان، امکان پیش‌بینی این نهاد کیفری در تحولات آتی آیین دادرسی کیفری ایران وجود دارد. یافته‌های این پژوهش احتمال ورود سیاست‌های مربوط به چانه‌زنی اتهام در قوانین کیفری ایران را تقویت می‌کند. آیت و دیگران (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «امکان‌سنجی کاربرد معاملهٔ اتهام در جرایم اقتصادی» بیان داشته اند هرچند در نظام فعلی کشور ایران خط مشی قانونی در خصوص چانه‌زنی اتهام به چشم نمی‌خورد ولیکن می‌توان از حیث تقنینی راهکارهایی را برای کاربست این نهاد و بازگرداندن اموال به بیت‌المال اتخاذ نمود. نوآوری پژوهش حاضر نسبت به دو پژوهش اخیرالذکر در این است که در پژوهش حاضر به امکان‌سنجی ورود نهاد چانه‌زنی اتهام به

1 Criminal Justice System (CJS)
2 Criminal Management System (CMS)

ایران پرداخته نمی‌شود، بلکه پس از بررسی آسیب مربوط به قدرت و آزادی اختیاری فوق‌العادهٔ دادستان در فرایند چانه‌زنی اتهام در ایالات متحدهٔ آمریکا، راهکارهایی در راستای آسیب‌زدایی از اختیار عمل گستردهٔ دادستان در فرایند معاملهٔ اتهام با توجه به ظرفیت‌های مدیریتی موجود (سامانهٔ مدیریت پرونده) در کشور ایران ارائه می‌شود. در کشور ایران همچنین پژوهش‌هایی که به بررسی فواید کاربست فرایند چانه‌زنی اتهام می‌پردازند نیز وجود دارد. به عنوان مثال کیان ارثی و دیگران (۱۴۰۰) در پژوهشی به نام «معامله اتهام در حقوق کیفری امریکا و ایران و تاثیر آن بر قضازدایی با رویکرد فقهی» پس از بررسی فرایند چانه‌زنی اتهام در حقوق کیفری آمریکا به این نتیجه رسیدند که کاربست سیاست‌های مربوط به معاملهٔ اتهام می‌تواند موجب کاهش ورودی پرونده‌ها و شرمسازی بازپذیرکنندهٔ متهمان گردد. آقایان محمدرضا و علیرضا عاقلی مقدم (۱۳۹۹) در پژوهشی به نام «راهکارهای کاهش ورود پرونده ها به دادسرا و معامله اتهام» چانه‌زنی اتهام را یکی از روش‌های افزایش سرعت رسیدگی و کاهش هزینه‌های رسیدگی در دادسرا معرفی نموده است. عباسیان و عالی پور (۱۳۹۴) در مقالهٔ «ظرفیت‌های تعمیم نهاد معاملهٔ اتهام به نظام کیفری ایران» بیان داشته‌اند از آنجا که چانه‌زنی اتهام به‌دنبال اجرای بهتر عدالت، راهکارهایی به سود متهم، جامعه و بزه‌دیده است، در رویکرد تعمیم‌گرایی ماهیت چانه‌زنی اتهام به‌گونه‌ای است که این نهاد قابلیت تعمیم به نظام قضایی ایران را دارد. مرادی و دیگران (۱۳۹۰) در پژوهشی به نام «معاملهٔ اتهامی در فرایند دادرسی کیفری با تأکید بر نظام حقوقی ایران» پس از ارائهٔ تعریف معاملهٔ اتهام و تعیین انواع آن، از مزایا و معایب آن و بررسی مشکلات حقوق ایران برای پذیرش نهاد مذکور سخن می‌گوید. این پژوهش‌ها نشان‌دهندهٔ این است که گفتمان‌های پژوهشی و یا حتی سیاست‌گذاری کشور ایران در حال پذیرش بسترهای لازم جهت ورود خط مشی مربوط به چانه‌زنی اتهام به کشور ایران هستند. در پژوهش حاضر نویسندگان به بررسی یکی از آسیب‌های چانه‌زنی اتهام در کشورهایی می‌پردازند که این سیاست را به کار گرفته و در پژوهش‌های مربوطه برخی پژوهشگران به آن اشاره کرده‌اند. سپس به دنبال ارائهٔ راهکارهای علمی و عملی در این خصوص هستند. به نحوی که پس از ورود فرایند چانه‌زنی اتهام به کشور ایران این آسیب از

ابتدای کاربست قانون، مرتفع شده باشد. همچنین برخی از پژوهش‌ها در ایران به بیان نهادهای مشابه یا نزدیک به چانه‌زنی اتهام در قانون آیین دادرسی کیفری پرداختند. حیدری (۱۳۹۵) در پژوهشی به نام «معامله اتهام در حقوق کامن لا و نهادهای نزدیک به آن در دادرسی کیفری ایران» بیان داشته است چانه‌زنی اتهام دائرمدار مصلحت است و مصلحت‌گرایی در قانون آیین دادرسی کیفری در نهادهایی از جمله تعلیق تعقیب قابل مشاهده است. برخی از این نهادها هرچند ماهیتاً با چانه‌زنی اتهام متفاوت هستند اما وجوه تشابهی نیز با یکدیگر دارند. در کشور ایران پژوهشی که به بررسی آسیب مربوط به اختیار عمل گستردهٔ دادستان باشد به چشم نمی‌خورد. اما مانیکایس و گریبک[1] (۲۰۱۷) در پژوهشی که مربوط به کشور آلمان بوده و به صورت تطبیقی با ایالات متحدهٔ آمریکا و کانادا بررسی شده است، به نام «چانه زنی برای عدالت: مسیری به سوی پاسخگویی دادستانی در فرآیند دادخواهی» در راستای خطرزدایی از اختیارات گستردهٔ دادستان‌های کشور آمریکا و کانادا مدل آلمانی فرایند چانه‌زنی اتهام که در آن شفافیت بسیار وجود دارد را مدل مناسب معرفی کرده‌اند. نوآوری پژوهش حاضر نسبت به پژوهش اخیرالذکر در این است که در پژوهش مانیکایس و گریبک، به ظرفیت‌های موجود در کشور ایران در راستای آسیب‌زدایی از اختیار عمل دادستان‌ها اشاره‌ای نشده است.

این پژوهش درصدد است صرف نظر از تعریف و ماهیت چانه‌زنی اتهام به امکان‌سنجی نقض عدالت از طریق سوءاستفادهٔ دادستان از اختیارات خود در فرایند معاملهٔ اتهام پرداخته و از مدیریت دیجیتال پرونده و داده‌های رایانه‌ای به منظور رفع این مشکل از فرایند چانه‌زنی اتهام بپردازد. بدین منظور پس از بررسی اختیار عمل دادستان در فرایند دادرسی کیفری و علی‌الخصوص در فرایند چانه‌زنی اتهام، به بررسی امکان و سازِکار سوءاستفاده از گسترهٔ اختیارات در فرایند چانه‌زنی اتهام و روش آسیب‌زدایی از این اقدام می‌پردازد. بدین منظور لازم است در ابتدا آزادی عمل (صلاحدید) دادستان در چانه‌زنی اتهام مفهوم‌شناسی شده و سپس به بررسی سوءاستفاده و روش‌های سوءاستفاده از این آزادی عمل یا اختیار عمل پرداخته شود. در نهایت راهکارهای مربوط به تعدیل آزادی عمل

1 Manikis & Grbac

دادستان با کمک سامانهٔ مدیریت پرونده که بخشی از تدابیر مدیریت دیجیتال پرونده در کشور ایران است بیان می‌شوند.

۱. آزادی عمل دادستان و چالش‌های مربوط به آن در فرایند چانه‌زنی اتهام

وجود اختیارات و آزادی عمل و صلاحدید برای دادستان ضروری است. دادستان فاقد آزادی عمل، صلاحدید و اختیار، نمی‌تواند با جرم مبارزه کرده، و امنیت را به حوزهٔ قضایی بازگرداند. اعطای اختیارات به دادستان منجر به انعطاف‌پذیری[1] (Bibas, 2009 : p.372)، تأمین منافع اجتماعی از طریق تمرکز بر جرایم و استفاده حداکثری از منابع محدود به منظور مبارزهٔ هرچه بهتر با جرایم جدی و مهم (Burke, 2007 : p.191) می‌شود. بدین توضیح که هزینه، وقت و نیروی انسانی پلیس و دادسرا و غیره محدود هستند و دادستان با این منابع محدود نمی‌تواند کلیهٔ جرایم را رصد، کشف و تعقیب نموده و در نهایت همهٔ مجرمان را مجازات نماید. چانه‌زنی اتهام این فرصت را ایجاد می‌کند تا تمرکز دادستان بر جرایم مهم بوده و از این طریق حداکثر منافع ممکن اجتماع را فراهم سازد. همچنین قانون نمی‌تواند همهٔ جزئیات را بیان نماید. شرایط هر پرونده با پروندهٔ دیگر متفاوت است. گاهی اوقات قانون به منظور رعایت اصل شخصی بودن مجازات‌ها مقررات کلی مانند بندهای مختلف مادهٔ ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را مورد اشاره قرار می‌دهد، ولیکن نمی‌تواند عدالت را به صورت کامل در خصوص هر پرونده به صورت مجزا به منصهٔ ظهور برساند. به همین دلیل اختیار عمل دادستان موجب تعدیل و انعطاف خواهد شد.

دادستان‌ها قدرتمندترین بازیگران عرصهٔ عدالت کیفری هستند. (Bellin, 2019 : p.171) دادستان‌ها با غربال پرونده‌ها تصمیم می‌گیرند که کدام متهم تحت رسیدگی کیفری قرار گرفته و کدام متهم از رسیدگی کیفری در دادگاه معاف باشد. (SlAW, 1976 : 2; Gershowitz, 2019 : p.833; Hasbrouck, 2021 : p.627) همچنین کم و کیف مجازات مجرمان پس از اثبات مجرمیت به موجب حکم قطعی جزء اختیارات دادستان است. (صالحی و افراسیابی،۱۳۹۷: ص.۲۲۲) با توجه به محرمانه بودن تعقیب و تحقیقات مقدماتی در نظام‌های کیفری که نظام تفتیشی در دادسرای آن‌ها حاکم است، (راسته، ۱۴۰۱:

1 Flexibility

ص.۱۲۱) مهمترین تصمیمات دادستان‌ها پشت درب‌های بسته، بدون نظارت و به صورت غیرعلنی اتخاذ می‌شوند. (Davis, 2005 : p.55) این امر بر قدرت دادستان می‌افزاید. برخی از تصمیمات دادستان‌ها دوران امر بین مرگ و زندگی متهم است. در قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز اختیارات بسیاری چه در مرحلهٔ تعقیب، چه در مرحلهٔ تحقیقات مقدماتی و چه در مرحلهٔ اجرای حکم برای دادستان‌ها پیش‌بینی شده است. در کشور ایران اصل تفکیک مقام تحقیق از تعقیب عملاً بی‌فایده جلوه می‌کند چراکه استثنائات وارد بر آن بسیار گسترده‌تر از اصل، در قانون ذکر شده‌اند. به نوعی تخصیص اکثر در خصوص این اصل در مقررات آیین دادرسی کیفری ایران قابل مشاهده است. فلذا اختیارات دادستان در ایران به نظر گسترده‌تر و بیشتر است.

دادستان‌ها در زمان اعمال اختیارات خود و اتخاذ تصمیم باید دو چیز را مد نظر قرار دهند. اول، عدالت و منافع عمومی (از حیث مدعی‌العموم بودن)، دوم، وضعیت موجود (پروندهٔ حاضر). (Manikis & Grbac, 2017 : p.86) علاوه بر این باید دقت داشت که دادگاه‌ها و دادسراها باید ضمن رسیدگی به حقوق بزه‌دیدگان، از تضییع حقوق متهمان به بهانه برخورد قاطع با جرم پرهیز کنند، چراکه امنیت قضایی به‌عنوان بخشی از امنیت فردی، دولت و نظام عدالت کیفری را مکلف به حمایت از حقوق تمامی اشخاص، از جمله متهمان، می‌کند. (بارانی بیرانوند و احمدزاده، ۱۴۰۲: ۶۱) توجه به منافع عمومی موجب شده است تا سازوکار تعقیب الزامی کیفری (اصل الزامی بودن تعقیب[1]) به موجب توجه به اصل متناسب بودن تعقیب[2] تعدیل گردد. این موضوع شاید از منظر مدیریت‌گرایی کیفری و کاهش حجم پرونده‌های وارده به شعبات دادسرا مفید بوده باشد، ولیکن این خطر را به دنبال دارد که دادستان‌ها در اتخاذ تصمیم به سمت مصلحت‌گرایی متمایل شوند و از آزادی عمل خود سوءاستفاده نمایند. (Lundquist, 1971 : p.485) با توجه به اینکه دادستان‌ها در فرایند چانه‌زنی اتهام نیز از آزادی عمل بسیاری برخوردار هستند، امکان سوءاستفاده از اختیارات در این فرایند هم وجود دارد.

---

1 The principle of compulsion of prosecution

2 The principle of appropriateness of prosecution

با توجه به اینکه به علت محدودیت در نیرو و منابع انسانی و تجهیزات امکان تعقیب و مجازات کلیهٔ مجرمان وجود ندارد، فلذا عملاً آموزه‌های مکتب عدالت مطلق[1] در این خصوص با شکست مواجه شده است. عدالت ترمیمی[2] و منافع عمومی اقتضای این امر را دارد که تمرکز نظام عدالت کیفری و دادستان‌ها بر روی تعقیب جرایم مهمتر معطوف باشد و نسبت به جرایم خردتر نگاه تساهلی و تسامحی داشته باشند. این موضوع فلسفهٔ ایجاد اصل اقتضای تعقیب محسوب می‌شود. (Setyawan & Wisnubroto, 2024 : p.89) فرایند چانه‌زنی اتهام پیرو یافته‌های نظریهٔ عدالت ترمیمی برای رعایت هرچه بیشتر و بهتر منافع عمومی و تمرکز دادسرا بر جرایم مهم، پیرو ایجاد اصل مقتضی بودن تعقیب در کشورهای کامن‌لا ایجاد شد و طی فرایند نقل و انتقال سیاست‌ها[3] به برخی از کشورهای اروپایی همچون آلمان نیز منتقل شد. اگر این فرایند را یک فیلم در نظر بگیریم، بازیگر اصلی و نقش اول و تصمیم‌گیر در این فرایند دادستان است. (Tisdale & Votruba, 2024 : p.192)

تجمیع قدرت در شخص واحد امکان تمایل به فساد را در وی افزایش می‌دهد. به همین دلیل است که در ساختارهای سیاسی از اصل تفکیک قوا سخن به میان می‌آید. دادستان در کشور ایران از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. کما اینکه در ایران دادستان از نظر اداری رئیس بازپرس و از نظر اداری و قضایی رئیس دادیار محسوب می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده است که موضع دادستان‌ها در فرایند چانه‌زنی اتهام همواره به سمت عدالت نیست. (Luna, 2104 : p.102) مخصوصاً اینکه نظرات و عقیده‌های شخصی دادستان در این فرایند سرنوشت‌ساز است. (Worden1989 : p.335) از آن‌جا که دادستان در معیت انجام اقدامات قضایی، یک پست سیاسی هم محسوب می‌شود، مصلحت‌گرایی در اقدامات ایشان مستتر می‌باشد. امکان تمایل دادستان به مصلحت‌هایی که شاید ناقض برخی حقوق و آزادی‌های بنیادین اشخاص باشند وجود دارد. کما اینکه در کشورهای کامن‌لا (کانادا) مشاهده شده است که دادستان از اختیارات خود در فرایند چانه‌زنی اتهام

1 Just desert
2 Restorative justice
3 Policy transfer

سوءاستفاده کرده است. (Manikis & Grbac, 2017: pp.85-86) امکان این سوءاستفاده در کشور ایران در صورت کاربست خط مشی های مربوط به چانه‌زنی اتهام در این کشور وجود دارد. در ایالت متحدهٔ آمریکا آزادی عملِ اصولاً کنترل‌نشدهٔ دادستان‌ها در چانه‌زنی اتهام مدت‌هاست به عنوان رفتاری مغایر انصاف، برابری و پاسخگویی بیان شده و مورد انتقاد قرار گرفته است. (Ma, 2002: p.22) در کشور کانادا که فرایند چانه‌زنی اتهام به صورت نظام‌مند در حال اجرا شدن است، سه عامل رویهٔ قضایی[1]، قوانین و مقررات[2] و همچنین دستورالعمل‌های Crown Policy Manuals درصدد کنترل قدرت فوق‌العادهٔ مربوط به آزادی عمل دادستان‌ها هستند، ولیکن در این امر موفق نبوده‌اند. (Manikis & Grbac, 2017: pp.93-99) به همین دلیل روش‌های دیگری به منظور خنثی‌سازی قدرت فوق‌العادهٔ دادستان‌ها در چانه‌زنی اتهام نیاز است.

به‌هر روی می‌توان مزایا و معایب اختیارات گسترده‌ی دادستان‌ها در فرایند چانه‌زنی اتهام را به شکل زیر بیان کرد:

عنوان	شرح	منابع و استناد
مزایا	انعطاف‌پذیری در پیگیری جرایم- تمرکز بر جرایم مهم- استفاده بهینه از منابع محدود (پلیس، دادسرا، نیروی انسانی)- تحقق منافع عمومی	Bibas (2009), Burke (2007), Manikis & Grbac (2017)
معایب	امکان سوءاستفاده از قدرت- غیردموکراتیک بودن تصمیم‌گیری‌های پنهان- تأثیر دیدگاه‌های شخصی بر روند پرونده‌ها- تهدید برابری و انصاف	Davis (2005), Luna (2014), Worden (1989), Ma (2002)

جدول شماره‌ی ۱- مزایا و معایب اعطای اختیارات گسترده به دادستان در چانه‌زنی اتهام

1 Case law
2 Rules

در این پژوهش، با رویکرد آینده‌پژوهی تطبیقی، درصدد هستیم که با استفاده از ظرفیت‌های مدیریت دیجیتال پرونده، با ارائه‌ی پیشنهادات، ضمن حفظ نقاط قوت اعطای اختیارات گسترده به دادستان‌ها در فرایند چانه‌زنی اتهام، معایب آن را در فرض نقل و انتقال سیاست‌های مربوط به فرایند چانه‌زنی اتهام به کشور ایران، به حداقل برسانیم.

۲. آسیب‌زدایی از آزادی عمل دادستان در چانه‌زنی اتهام با استفاده از ظرفیت‌های مدیریت دیجیتال پرونده

در قضای کیفری دو نوع مدیریت قابل مشاهده است؛ اول، ادارهٔ امور اداری قضات و کارمندان دادگستری که معادل واژهٔ Administrate است، (Lynch, 2014 : p.1673) دوم، مدیریت امور پرونده و امور مراجعه‌کنندگان که معادل واژهٔ Management می‌باشد. (McEwan, 2011 : p.519) امروزه رویکرد مدیریت‌گرایی کیفری[1] در دستگاه قضایی به منظور مدیریت امور پرونده و امور مراجعه‌کنندگان در دادگستری‌ها ایجاد شده است. یکی از رویکردهای مدیریتی که در سیستم عدالت کیفری به‌کارگرفته می‌شود، رویکرد مدیریت عمومی نوین[2] است که به مدیریت دولتی نوین هم معروف است. این رویکرد منجر به کاهش استقلال کارکنان دستگاه عدالت کیفری، کاهش استقلال سازمانی و فشار بر دادگستری، قضات و کارمندان برای کارآیی بیشتر تأکید دارد. (Raine, 1995 : p.35) با وجود اینکه انتقادات بسیاری به رویکرد مدیریت دولتی نوین وارد است، (Dunleavy & Hood, 1994 : p.9) ولیکن عملاً مشاهده می‌شود که در سیستم عدالت کیفری ایران به کار گرفته می‌شود. این رویکرد موجب شده است که در کشورهای مختلف رویکردهای مختلفی برای مدیریت ایجاد شود. ایراد اتهام[3] در انگلستان (عمرانی فر و دیگران، ۱۴۰۳: ۴۱ و ۴۲) و چانه‌زنی اتهام در آمریکا از نمونه‌های این اقدامات هستند.

نقطهٔ تلاقی رویکردهای مدیریت‌گرایانه و استفاده از فناوری اطلاعات[4] به دیجیتالی کردن[5] مدیریت سیستم عدالت کیفری تبدیل شده است. هرچند رویکردهای مدیریتی در دستگاه

---

1 Criminal manageralism
2 New Public Management
3 Accusation
4 Information Technology (IT)
5 Digitalization

قضا، اصرار بر استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات[1] دارند، (Seepma et al., 2021: p.433) ولی با توجه به پیشرفت روزافزون این فناوری، نقاط تلاقی و سیاست‌گذاری‌های نوین در این حوزه ایجاد شده است.

سامانهٔ مدیریت پرونده (سمپ) از مهمترین دستاوردهای کاربست رویکرد مدیریت دولتی نوین در فضای دیجیتال می‌باشد. در این سامانه امور اداری و قضایی مربوط به پرونده سر و سامان داده شده و امکان نظارت سریع و آسان بر عملکرد شعبات را فراهم می‌آورد. از زمره مزیت‌های این سامانه این است که می‌توان اسناد و مدارک پرونده از جمله عکس و فیلم یا سایر داده‌های رایانه‌ای را در کلاسهٔ مربوط به پرونده درج و نگهداری نمود. صرف نظر از اینکه برخی معتقدند در وضعیت فعلی دادگستری ایران، کاربست افراطی مدیریت‌گرایی دیجیتال منجر به انسانیت‌زدایی[2] و فرسودگی روانی قضات و کارمندان می‌شود، ولیکن این سامانه ظرفیت‌های بسیار دارد که می‌توان از آن‌ها برای طراحی، تدوین، تصویب و اجرای سیاست‌های در راستای اجرای هر چه بهتر عدالت و احقاق حق استفاده نمود. به عنوان مثال از طریق راهکارهایی که در ادامه بیان خواهد شد می‌توان سطح شفافیت رسیدگی‌ها و مسئولیت‌پذیری مدیران دادسراها و دادستان‌ها در فرایند چانه‌زنی اتهام را ارتقا داد.

در فرایند چانه‌زنی اتهام دو موضوع از اهمیت یکسان برخوردار هستند، اول، فرایند، دوم، نتیجه. ممکن است برخی از دادستان‌ها نتیجه را به فرایند اولویت دهند و معتقد باشند نتیجه، وسیله را توجیه می‌کند! به منظور خنثی‌سازی آسیب‌های مربوط به صلاحدید دادستان‌ها در این فرایند باید شفافیت[3] (Bibas, 2009: p.373) و مسئولیت‌پذیری[4] (Brewer, 2023) را به صلاحدید دادستان اضافه کرد.

در حاکمیت‌های دموکراتیک متعهد به حاکمیت قانون، دادستان‌ها باید مانند سایر کارگزاران قدرتمند دولتی که تصمیم‌های مهمی می‌گیرند، در برابر مردم پاسخگو باشند. با این حال در اکثر سامانه‌های عدالت کیفری، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی دادستان‌ها با کسری مواجه است. (Wright & Miller, 2010: p.1587) مسئولیت‌پذیری دادستان‌ها

1 Information and Communication Technology (ICT)
2 Dehumanization
3 Transparency
4 Accountability

موجب خواهد شد فرایند تعقیب کیفری اخلاق‌مدارتر شده و از مشروعیت و مقبولیت بیشتری برخوردار شود. (Mé gret, 2008 : p.1) ایجاد شفافیت در گسترۀ اقدامات دادستان موجب خواهد شد که دادستان از قدرت خود سوءاستفاده نکند. چراکه در صورتی که در صدد سوءاستفاده برآید توسط سایر بازیگران عرصۀ عدالت کیفری قابل مشاهده و کنترل خواهد بود. شفافیت موجب اعتماد به فرایند چانه‌زنی اتهام خواهد شد. (Barry, 2017 : p.178) یکی از روش‌های ایجاد شفافیت در فرایند چانه‌زنی اتهام پایبندی دادستان به عدالت رویه‌ای است. (O'hear, 2007 : p.407) با این حال به منظور ایجاد شفافیت و مسئولیت‌پذیری در فرایند چانه‌زنی اتهام می‌توان از سامانه‌های مربوط به مدیریت دیجیتال پرونده کمک گرفت. در ادامه به ارائۀ پیشنهاداتی به منظور خنثی‌سازی مشکل و ایجاد شفافیت و پاسخگویی دادستان‌ها در چانه‌زنی اتهام پرداخته می‌شود.

۲-۱. ضبط فیلم فرایند چانه‌زنی اتهام و نگهداری آن در سامانۀ مدیریت پرونده

در فرایند چانه‌زنی اتهام، متهم و دادستان پس از توافق نسبت به تنظیم یک صورت‌جلسه اقدام می‌کنند. در این صورت‌جلسه متهم اقرار به اتهام خود می‌کند. آن‌چه که در دادگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد، صورت‌جلسۀ تنظیمی است. قاضی دادگاه در مقام رسیدگی به اطلاعات مربوط به شخص پیشنهاددهنده، میزان مشارکت، نحوۀ فعالیت، گفتار و رفتار هر یک از طرفین چانه‌زنی و وضعیت متهم در حین چانه‌زنی اتهام و انطباق یا عدم انطباق توافق شفاهی با صورت‌جلسۀ تنظیمی، دسترسی ندارد. صرفاً مندرجات صورت‌جلسه مبنای رسیدگی قاضی دادگاه است.

امروزه بر ضرورت استفاده از یک سیستم مدیریت دیجیتالی پیشرفته با استفاده از فناوری اطلاعات در دستگاه عدالت کیفری تأکید می‌شود. (Llagami, 2024 : p.66) مدیریت دیجیتال پرونده، با ایجاد یک انقلاب گرافیکی در فرایند رسیدگی کیفری، رسیدگی‌های سنتی با درج مطالب با خودکار بر روی کاغذ را متحول کرده و اوراق و محتویات پرونده را در سامانه‌های رایانه‌ای در فضای دیجیتالی از طریق برنامه‌نویسی صفر و یک به داده‌های رایانه‌ای تبدیل کرده است. از زمره داده‌های رایانه‌ای که امکان درج آن در پروندۀ

الکترونیکی وجود دارد، ویدئو است. فلذا امکان ضبط فیلم از فرایند چانه‌زنی اتهام بین متهم و دادستان وجود دارد. در زمان فراگیری ویروس کووید-۱۹[1] نیز دادگاه‌ها از محتواهای ویدئویی در سامانه‌های مدیریت پرونده برای رسیدگی‌ها استفاده کردند. (Bannon & Adelstein, 2020 : p.2) ضبط ویدئوی اجباری از جانب دادستان و درج آن در پروندهٔ الکترونیکی از طریق سامانه‌های مدیریت پرونده از فرایند چانه‌زنی اتهام و ارسال آن به دادگاه، هم موجب شفافیت فرایند رسیدگی خواهد شد و هم امکان نظارت بر دادستان و پاسخگویی دادستان در قبال تخلفات ارتکاب یافته را افزایش می‌دهد. این موضوع منجر به بازدارندگی نیز خواهد شد. در صورتی که دادستان محترم متوجه باشد که کلیهٔ اقدامات ایشان در فرایند چانه‌زنی اتهام ضبط شده و برای قاضی رسیدگی‌کننده به نمایش گذاشته خواهد شد، سعی خواهد کرد جوانب و چهارچوب‌های قانونی را رعایت کند تا اشتباهی از وی سر نزند.

ضبط ویدئو به دو علت دیگر هم مفید است: اول اینکه در فرض ثبت و ضبط فرایند از طریق یادداشت‌ها، امکان ثبت کلیهٔ وقایع و حالات و گفتمان‌ها با توجه به حجم کار قضایی امکان ندارد و جزئیاتی همچون زبان بدن[2] یا لحن طرفین در صورت‌جلسه درج نمی‌شوند. دوم اینکه در فرض ثبت و ضبط فرایند از طریق ضبط صوت امکان سوءاستفاده از طریق توسل به حربه‌های غیرقانونی به قصد دستیابی به اقرار یا اعتراف کماکان وجود دارد ولیکن ضبط ویدئو این امکان را از بین می‌برد.

۲-۲. درج ادلهٔ توجیهی شروع فرایند چانه‌زنی اتهام در سامانهٔ مدیریت پرونده

در چانه‌زنی اتهام، متهم و دادستان دست به توافق می‌زنند. بدین توضیح که متهم از امتیازات پیشنهادی در خصوص مجازات از سوی دادستان بهره‌مند شده و دادستان نیز زحمت کمتری برای اثبات جرم متحمل شود. (Fisher, 2006 : p.943) در واقع از این طریق دادستان ادلهٔ اثبات کمتری از حد استانداردی که باید به دادگاه ارائه نماید جمع‌آوری و ارائه می‌کند. اما این بدان معنی نیست که دادستان در فرایند چانه‌زنی اتهام نیز می‌تواند

1 Covid-19
2 Body Language

افسارگسیخته اقدام کند و نسبت به هر مظنونی اقدام به این کار نماید. این موضوع ناقض اصل برائت خواهد بود. پس به منظور رعایت هرچه بیشتر اصول دادرسی منصفانه باید حداقل ادله‌ای که فرایند چانه‌زنی اتهام را توجیه می‌کند در پرونده وجود داشته باشد. با توجه به اینکه اطلاعات پرونده با درج تاریخ و به ترتیب ایجاد در سامانهٔ مدیریت پرونده درج می‌شوند، درج ادلهٔ توجیه‌کننده شروع فرایند چانه‌زنی اتهام در این سامانه می‌تواند از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری کند. چراکه در صورتی که به صورت سنتی و از طریق درج مطالب در کاغذ و اوراق پرونده اقدام به درج ادله گردد، امکان پس و پیش کردن اوراق و یا تقدم وتأخر تاریخ اوراق وجود دارد. فلذا ممکن است یک شخص بدون اینکه ادله‌ای در پرونده وجود داشته باشد وارد فرایند چانه‌زنی اتهام شده و سپس با دلیل‌تراشی‌ها اقدام به توجیه شروع فرایند چانه‌زنی شود. درج ادله و ارسال آن‌ها به دادگاه رسیدگی‌کننده این مشکل را برطرف خواهد کرد.

۲-۳. غربال دیجیتال جرایم

یکی از پیشنهادات در خصوص کاهش حجم ورودی پرونده‌ها به دادسراها، جرم‌زدایی[1] است. ولیکن جرم‌زدایی اقدامی وابسته به سیاست‌های قوهٔ مقننه است. تا زمانی که قوانین در مجرای قوهٔ مقننه اصلاح نشوند جرم‌زدایی حاصل نخواهد شد. با این حال می‌توان از ظرفیت‌های قانونی که در راستای کاربست اصل مناسب بودن تعقیب کیفری وضع شده‌اند استفاده کرد و با تلفیق ظرفیت‌های قانونی، بررسی‌های قضایی و ظرفیت‌های سامانهٔ مدیریت پرونده بهترین استفاده را از فرایند چانه‌زنی اتهام به منظور کاهش هزینه‌ها و وقت رسیدگی‌ها و تمرکز بر جرایم مهمتر کرد. با توجه به اینکه منفعت اجتماعی با توجه به محدود بودن منابع انسانی و مالی دادگستری در تعقیب برخی از جرایم خرد نیست، فلذا برخی از این پرونده‌ها باید از طریق اقداماتی همچون بایگانی کردن پرونده یا توقف تحقیقات مختومه شوند. در مقابل برخی از جرایم نیز وجود دارند که ادلهٔ کافی در خصوص آن‌ها وجود دارد. این دسته از پرونده‌ها نیز نباید وارد فرایند چانه‌زنی اتهام شوند. ممکن است دادستان‌ها بنابر مصالحی همچون آمارگرایی‌ها، صرفه‌جویی در وقت و هزینه‌ها

[1] Decriminalization

درصدد استفادهٔ بیش از حد از فرایند چانه‌زنی اتهام باشند و با اعمال اختیار عمل خود، در خصوص دستهٔ اخیر پرونده‌ها نیز متمایل به استفاده از فرایند چانه‌زنی اتهام باشند. ولیکن این موضوع موجب خواهد شد اهداف کیفر از جمله بازدارندگی[1] و ارعاب تحقق نیابند. در صورتی که سازوکار غربال در سامانهٔ مدیریت پرونده تعریف و با بررسی‌های قضایی قضات تلفیق شود (به منظور رفع ایراد انسانیت‌زدایی از فرایند) می‌تواند به کنترل اختیارات گستردهٔ دادستان‌ها منجر شود.

1 Deterrence

نتیجه‌گیری

یکی از چالش‌های اساسی در سیاست جنایی معاصر، گستره‌ی اختیارات دادستان در فرایندهای کیفری است؛ به‌ویژه در نظام‌هایی که فاقد سازوکارهای نظارتی کارآمد هستند، این اختیارات می‌تواند به فشار بر متهم، نقض حقوق دفاعی و تضعیف عدالت دادرسی بیانجامد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد در کشورهایی که نهاد چانه‌زنی اتهام اجرا شده، صلاحدید گسترده دادستان اغلب با آسیب‌هایی چون تهدید به طرح اتهامات سنگین‌تر برای اخذ اقرار و تصمیم‌گیری‌های غیرشفاف همراه بوده است. در نظام عدالت کیفری ایران نیز، به‌واسطهٔ عدم تفکیک مؤثر مقام تحقیق از تعقیب و تمرکز قدرت در نهاد دادسرا، این نگرانی به‌شدت قابل طرح است. از سوی دیگر، گسترش رویکردهای مدیریت‌گرایانه در دستگاه قضایی، اگرچه در راستای کارآمدی است، اما در صورت غفلت از نظارت، می‌تواند زمینه‌ساز آمارگرایی، نقض حقوق متهم و تقویت تمرکز قدرت گردد. در این چارچوب، پژوهش حاضر با رویکردی تطبیقی و آینده‌نگرانه تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که در صورت پذیرش نهاد چانه‌زنی اتهام در نظام دادرسی ایران، چگونه می‌توان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مدیریت دیجیتال پرونده، از بروز آسیب‌های ناشی از اختیارات نامحدود دادستان جلوگیری کرد.

پژوهش نشان می‌دهد که کاربست هم‌زمانِ ضبط ویدئویی فرایند چانه‌زنی، ثبت داده‌های توجیهی در سامانه مدیریت پرونده (CMS) و غربال‌گری دیجیتال جرایم، می‌تواند سه کارکرد در هم تنیده را فعال کند: شفافیت، پاسخگویی و مشروعیت. در ادامه، هریک از این لایه‌ها و پیوندشان با کاهش سوءاستفاده توضیح داده می‌شود.

لایه‌ی فناوری	سازوکار عملی	برونداد حقوقی/مدیریتی
۱. ضبط ویدئویی کامل فرایند چانه‌زنی	ویدئو در همان لحظه به پرونده الکترونیک پیوند می‌خورد؛ محتوای گفت‌وگو، زبان بدن، لحن، تهدیدهای ضمنی و توافق‌های شفاهی بدون امکان دستکاری ثبت می‌شود.	بازدارندگی فوری: دادستان می‌داند هر تخلفی قابل رؤیت و ارجاع است. مرجع بی‌طرف برای دادگاه و نهادهای نظارتی: قاضی می‌تواند اصالت توافق را بی‌واسطه بسنجد. کاهش اقرارهای کاذب: فشار یا فریب متهم در تصویر آشکار می‌شود.

۲. درج ادله و مستندات توجیهی آغاز چانه‌زنی در CMS	سامانه، بارگذاری مستندات را با مهر زمان و سلسله مراتب تغییرات اجباری می‌کند؛ هر حذف یا ویرایش در لاگ ثبت می‌شود.	مسیر شفاف چرایی مذاکره: دادستان ناچار است معیارهای عینی (مثلاً کفایت ادله، میزان خسارت، رضایت بزه‌دیده) را ارائه کند .ممیزی پسینی و تحلیل داده‌محور: هیئت نظارت یا دادگاه عالی می‌تواند الگوهای تبعیض، معامله‌های غیرمتقارن یا-plea «shoppingرا استخراج کند: صیانت از اصل برائت: بدون حداقل ادله، سامانه اجازه ثبت پیشنهاد را نمی‌دهد.
۳.غربال‌گری دیجیتال پرونده‌ها	الگوریتم‌های مبتنی بر قواعد سیاست کیفری (شدت جرم، سابقه متهم، ظرفیت زندان، شاخص اطاله دادرسی) پیشنهاد می‌کنند کدام پرونده اصلاً وارد مذاکره شود و کدام مستقیم به محاکمه برود..	تمرکز منابع قضایی بر جرایم سنگین: معامله اتهام برای جرایم خردِ کم‌ارزش، به‌جای تحمیل مذاکره بر پرونده‌های جدی. کاهش تبعیض و سلیقه :تصمیم مقدماتی بر پایه معیارهای از پیش اعلام‌شده است، نه ترجیحات فردی دادستان. کاهش ورودی و زمان رسیدگی: بارِ اضافیِ دادسرا و دادگاه کم می‌شود و متهمان سرگردان نمی‌مانند.

جدول شماره‌ی ۲- کارکرد سه‌لایه‌ای ابزارهای مدیریت دیجیتال در مهار سوءاستفاده از اختیارات دادستان در چانه‌زنی اتهام

سه لایه‌ی فوق‌الذکر در عمل موجب هم‌افزایی همدیگر می‌شوند. این هم‌افزایی در سه قالب چرخه بازدارندگی و پاسخگویی، ارتقای مشروعیت و اعتماد عمومی و بسترسازی برای سیاست‌گذاری تطبیقی پدیدار می‌شود. در خصوص چرخه بازدارندگی و پاسخگویی باید دقت داشت که ویدئو هر عمل را مستند می‌کند؛ همان لحظه، مستنداتِ توجیه در سامانه‌ی مدیریت پرونده ثبت می‌شود؛ اگر پرونده اصلاً نباید در چانه‌زنی باشد، غربال‌گری از ابتدا هشدار می‌دهد. این چرخه امکان «معامله پنهانی»، «تهدید به اتهام سنگین‌تر» و دیگر رویه‌های فاسد را می‌شکنند. در راستای ارتقای مشروعیت و اعتماد عمومی می‌توان اذعان داشت ترکیب شفافیت و داده‌های قابل مشاهدهٔ پسینی، فضای «پشت درهای بسته» را از بین برده و نشان می‌دهد که ادعای سرعت و کارآمدی، به قیمت حقوق متهم تمام نمی‌شود. همچنین تجربه کشورهایی که بدون این لایه‌ها با بحران مشروعیت مواجه شده‌اند، تأیید می‌کند که پیاده‌سازی چانه‌زنی در ایران بدون چنین سازوکارهایی همان خطاها را تکرار خواهد کرد. پژوهش حاضر مدل سه‌لایه را به‌عنوان استاندارد بومی‌شده برای ورود این نهاد پیشنهاد می‌کند.

در فرض پذیرش نهاد چانه‌زنی اتهام در نظام کیفری ایران، به‌منظور پیشگیری از سوءاستفاده از اختیار عمل دادستان، پیشنهاد می‌شود مجموعه‌ای از تدابیر فناورانه و نظارتی در قالب مدیریت دیجیتال پرونده اجرا شود. این تدابیر شامل موارد زیر است:

۱. تدوین آیین‌نامه ضبط الزامی ویدئو از فرایند چانه‌زنی با مشخصات فنی دقیق؛

۲. الزام به ثبت دلایل توجیهی در سامانه مدیریت پرونده به‌عنوان شرط امکان ثبت پیشنهاد چانه‌زنی؛
۳. طراحی موتور غربال‌گری جرم‌محور برای اولویت‌بندی پرونده‌ها؛
۴. انتشار گزارش‌های دوره‌ای از عملکرد این سامانه‌ها جهت نظارت نهادهای رسمی و افکار عمومی.
اجرای این تدابیر می‌تواند شفافیت، پاسخگویی و مشروعیت فرایند چانه‌زنی را در ایران تضمین کند.

در قالب جمع‌بندی می‌توان اذعان داشت در صورت پذیرش نهاد چانه‌زنی اتهام در نظام عدالت کیفری ایران، بهره‌گیری از ظرفیت‌های مدیریت دیجیتال پرونده می‌تواند به‌طور مؤثری آسیب‌های ناشی از اختیارات گسترده دادستان را کاهش دهد. با اجرای تدابیر پیشنهادی شامل ضبط ویدئویی اجباری فرایند چانه‌زنی، ثبت ادله توجیهی در سامانه مدیریت پرونده (CMS)، و غربال‌گری دیجیتال جرایم، می‌توان شفافیت، پاسخگویی و مشروعیت این فرایند را تضمین کرد. این سازوکارها نه‌تنها از سوءاستفاده‌های احتمالی دادستان جلوگیری می‌کنند، بلکه با ارتقای اعتماد عمومی و تمرکز منابع قضایی بر جرایم مهم، به کارآمدی و عدالت‌محوری نظام کیفری کمک می‌کنند. اجرای این تدابیر، همراه با تدوین آیین‌نامه‌های دقیق و نظارت مستمر، می‌تواند چانه‌زنی اتهام را به ابزاری مؤثر و عادلانه در سیاست جنایی ایران تبدیل کند.

فهرست منابع

فارسی

۱- احدی, فاطمه، کرمانیان، پریوش. (۱۴۰۰). ا«مکان‌سنجی عملیاتی کردن نهاد معاملهٔ اتهام در ایران با تأکید بر مدیریتگرایی حقوق کیفری». مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۱۲(۲۲)، ۱-۲۲. doi:10.22034/law.2021.12948

۱. آقابابائی طاقانکی، عظیم؛ فرجیها، محمد. (۱٤۰۳). «سامانهٔ عدالت جنایی در چنبرهٔ سامانهٔ مدیریت پرونده (سمپ)». پژوهشنامه حقوق کیفری. doi: 10.22124/jol.2024.27252.2466

۲. آقابابائی طاقانکی، عظیم؛ کردعلی وند، روح الدین. (۱٤۰۳). «دادرسی عادلانه در چنبرهٔ مدیریتگرایی دیجیتالِ سامانهٔ کیفری، حقوق فناوری های نوین». ۵(۹)، ۱۶۹-۱۸۴. doi: 10.22133/mtlj.2023.412018.1239

۳. آیت، سید علیرضا؛ عالی پور، حسن؛ پاکزاد، بتول؛ صابر، محمود. (۱۴۰۰).« امکان‌سنجی کاربرد معاملهٔ اتهام در جرایم اقتصادی. مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی», ۵۱(۱), ۱۷۹-۱۵۱. doi: 10.22059/jqclcs.2021.291422.1492

۴. بارانی بیرانوند، امیر؛ احمد زاده، عفت. (۱۴۰۲). «استثنائات وارده بر «اصل علنی بودن دادرسی» در حقوق ایران، اسناد حقوق بشری و اساسنامه دادگاه‌های بین‌المللی». تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۶(۲۰)، ۵۷-۱۰۸، Doi: 10.22034/Law.2023.2015051.1271

۵. حیدری، الهام. (۱۳۹۵). «معامله اتهام در حقوق کامن‌لا و نهادهای نزدیک به آن در دادرسی کیفری ایران». مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، ۳(۱)، ۴۱-۶۲.

۶. راسته، مرتضی. (۱۴۰۱). «سازوکار تنظیم و تعدیل محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی. تمدن حقوقی»، ۵(۱۳)، ۱۱۷-۱۳۸.

۷. روشن قنبری، عطاءالله. (۱۳۸۹).« نگاهی به معامله‌ی اتهام در حقوق ایالات متحده آمریکا». فصلنامه قضاوت، ۵۲(۱۰۳)، ۱۰۱-۱۱۰.

۸. صالحی، محمدخلیل، افراسیابی، علی. (۱۳۹۷). «جایگاه و حدود اختیارات دادستان در نظام رسیدگی کیفری ایران». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۷(۲۵)، ۱۹۱-۲۳۰. doi: 10.22054/jclr.2018.12592.1220

۹. عاقلی مقدم، محمدرضا؛ عاقلی مقدم علیرضا. (۱۳۹۹).« راهکارهای کاهش ورود پرونده‌ها به دادسرا و معامله اتهام»، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۶(۲)، ۱۸۹-۲۰۵.

۱۰. عباسیان، عطیه؛ عالی‌پور، حسن. (۱۳۹۴). «ظرفیت‌های تعمیم نهاد معاملهٔ اتهام به نظام کیفری ایران». مطالعات حقوق تطبیقی، ۶(۲)، ۶۹۹-۷۲۴. doi: 10.22059/jcl.2015.55785

۱۱. عمرانی فر، عدنان؛ شیداییان، مهدی؛ عالی پور، حسن. (۱۴۰۳). «تأسیس مرحلهٔ «ایراد اتهام» در حقوق ایران با نگاهی به حقوق انگلستان (از ملزومات تا ارائه مدل مطلوب)». تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۷(۲۴)، ۳۹-۷۳. Doi: 10.22034/law.2024.2035683.1415

۱۲. کیان ارثی، نیما؛ شکرچی زاده، محسن؛ زمانی، مسعود. (۱۴۰۰). معامله اتهام در حقوق کیفری امریکا و ایران و تأثیر آن بر قضازدایی با رویکرد فقهی. فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی, ۳(شماره ویژه (ویژه نامه جستار های نوین فقه وحقوق ۱۴۰۰))، ۱۰۵-۱۲۰. doi: 10.22034/ejs.2022.325226.1134

۱۳. مرادی، فرزانه؛ موسوی مجاب، سید درید؛ عدالتجو، اعظم. (۱۳۹۰).« معاملهٔ اتهامی در فرایند دادرسی کیفری با تاکید بر نظام حقوقی ایران»، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۴(۱۴)، ۱۱۸-۱۷۴.

References

2- Abasian, A. and Alipour, H. (2015). Extension capacity of plea bargaining in the law system of Iran. *Comparative Law Review, 6*(2), 699-724. doi: 10.22059/jcl.2015.55785 (in Persian)

3- Aghababaei Taghanaki, A. and Kordalivand, R. (2024). Fair trial in the torus of digital managerialism of the criminal system. *ModernTechnologies Law, 5*(9), 169-184.
doi: 10.22133/mtlj.2023.412018.1239 (in Persian)

4- Aghababaei Taghanaki, A., and Farajiha, M. (2024). Criminal justice system in the torus of the case management system (CMS), *Criminal Law Research*. doi: 10.22124/jol.2024.27252.2466 (in Persian)

5- Aghli Moghaddam, M. R., & Aghli Moghaddam, A. (2020). Strategies for reducing the influx of cases to the public prosecutor's office and plea bargaining. Studies in Political Science, Law and Jurisprudence, 6(2), 189-205. (in Persian)

6- Ahadi, F., & Kermanian, P. (2021). Feasibility of Operating a Plea-Bargaining in Iran with Emphasis on Criminal Law Management-orientation. *Contemporary Comparative Law Studies, 12*(22), 1-22. Doi: 10.22034/law.2021.12948 (in Persian)

7- Ayat, A. , Alipour, H. , Pakzad, B. and Saber, M. (2021). Feasibility of Applying Transaction of Charges in Economic Crimes. *Criminal law and Criminology Studies, 51*(1), 179-151.
doi: 10.22059/jqclcs.2021.291422.1492 (in Persian)

8- Bannon, A., & Adelstein, J. (2020). *The impact of video proceedings on fairness and access to justice in court*. Brennan Center for Justice at New York University School of Law.

9- Barani Beyranvand, A., & Ahmadzadeh, E. (2023). The Place of the Principle of Publicity of Trial in Islamic Law Human Rights Documents and the Statute of International Courts and Exceptions. *Research and Development in Comparative Law, 6*(20), 57-108. https://doi.org/10.22034/Law.2023.2015051.1271 (in Persian)

10- Barry, J. (2017). Prosecutors-should we trust them? : A cross-jurisdictional analysis of the effectiveness and transparency of limits on prosecutorial discretion during plea bargaining. *Te Wharenga: New Zealand Criminal Law Review*, (3), 154-178.

11- Bellin, J. (2019). The power of prosecutors. *NYUL Rev.*, *94*, 171-212.

12- Bibas, S. (2009). The need for prosecutorial discretion. *Temp. Pol. & Civ. Rts. L. Rev.*, *19*, 369-375.

13- Brewer, E. (2023). Arbitrariness and Accountability in Plea Bargaining.

14- Buffet, M,. & Camus, C., & Rigal, A. (2019), *Performance vs Ethics: An Impossible Challenge for Today's Judges? The European Judicial Training Network*, Themis Competition Semi-Final D: Judicial Ethics and Professional Conduct, Sofia, Bulgaria. Available at:
https://portal.ejtn.eu/PageFiles/17916/TEAM%20FRANCE%20TH%202019%20D.pdf

15- Davis, A. J. (2005). The power and discretion of the American prosecutor. *Droit et cultures. Revue internationale interdisciplinaire*, (49), 55-66.

16- Dripps, D. A. (2015). Guilt, innocence, and due process of plea bargaining. *Wm. & Mary L. Rev.*, *57*, 1343-1374.

17- Duce, M. (2024). Plea bargaining and the risk of wrongful convictions : a comparative overview. *Research Handbook on Plea Bargaining and Criminal Justice*, 278-297.

18- Dunleavy, P., & Hood, C. (1994). From old public administration to new public management. *Public money & management*, *14*(3), 9-16.

19- Fisher, T. (2006). The Boundaries of Plea Bargaining: Negotiating the Standard of Proof. *J. Crim. L. & Criminology*, *97*, 943-1008.

20- Gershowitz, A. M. (2019). Justice on the line: Prosecutorial screening before arrest. *U. Ill. L. Rev.*, 833.

21- Hasbrouck, B. (2021). The Just Prosecutor. *Wash. UL Rev.*, *99*, 627-693.

22- Heidari, E. (2016). Plea Bargaining in Common Law and Similar Institutions in Criminal Procedure of Iran. Criminal law and Criminology Studies, 3(1), 41-62. (in Persian)

23- Kemp, S., & Varona, D. (2024). Is there a penalty for going to trial in Spain? Plea bargaining and courtroom efficiency. *European Journal of Criminology*, *21*(1), 92-115.

24- Kianersi, N., Shekarchizadeh, M. and Zamani, M. (2022). Accusation in US and Iranian Criminal Law and Its Impact on Jurisprudence with a Jurisprudential Approach. *Strategic Studies of Jurisprudence and Law, 3*(Special Issue), 105-120. doi: 10.22034/ejs.2022.325226.1134 (in Persian)

25- Kutateladze, B. L., Lawson, V. Z., & Andiloro, N. R. (2015). Does evidence really matter? An exploratory analysis of the role of evidence in plea bargaining in felony drug cases. *Law and Human Behavior*, *39*(5), 431.

26- Llagami, N. (2024). The Use of the Technology in Justice System. *Global Journal of Politics and Law Research*, *12*(4), 66-82.

27- Luna, E. (2014). Prosecutor king. *Stan. J. Crim. L. & Poly*, *1*, 48-103.

28- Lundquist, J. A. (1971). Prosecutorial Discretion-A Re-Evaluation of the Prosecutor's Unbridled Discreetion and Its Potential for Abuse. *DePaul L. Rev.*, *21*, 485.

29- Lynch, G. E. (2014). Our administrative system of criminal justice. *Fordham L. Rev.*, *83*, 1673.

30- Ma, Y. (2002). Prosecutorial discretion and plea bargaining in the United States, France, Germany, and Italy: A comparative perspective. *International Criminal Justice Review*, *12*(1), 22-52.

31- Manikis, M., & Grbac, P. (2017). Bargaining for justice: the road towards prosecutorial accountability in the plea bargaining process. *Man. LJ*, *40*, 85.

32- McEwan, J. (2011). From adversarialism to managerialism: criminal justice in transition. *Legal Studies, 31*(4), 519-546.

33- Mé gret, F. (2008). International Prosecutors: Ethics and Accountability. *Leuven Centre for Global Governance Studies Working Paper*, (18).

34- Moradi, F., Mousavi Mojab, S. D., & Adalatjou, A. (2011). Plea bargaining in criminal procedure with emphasis on the Iranian legal system. *International Legal Research, 4*(14), 118-174. (in Persian)

35- Newman, B. (2024). Plea Bargaining with Wrong Reasons: Coercive Plea-Offers and Responding to the Wrong Kind of Reason. *Criminal Law and Philosophy*, *18*(2), 369-393.

36- O'hear, M. M. (2007). Plea bargaining and procedural justice. *Ga. L. Rev.*, *42*, 407-470.

37- Omranifar, A., Sheidaian, M., & Alipour, H. (2024). Establishment of the Step of Laying charges in Iranian Law with a Glance at English Law (from Requirements to Providing an Appropriate Model). *Research and Development in Comparative Law, 7*(24), 39-73.
https://doi.org/10.22034/law.2024.2035683.1415 (in Persian)

38- Raine, J. W., & Willson, M. J. (1995). New public management and criminal justice. *Public Money & Management*, *15*(1), 35-40.

39- Rasteh, M. (2023). The Mechanism of Regulating and Adjusting the Confidentiality of Preliminary Inquiries. *Legal Civilization, 5*(13), 117-138. doi: 10.22034/lc.2023.162372 (in Persian)

40- RoshanGhanbari, A. (2010). A Look at Plea Bargaining in United States Law. *Judgment, 10*(65), 101-110. (in Persian)

41- Salehi, M. K., & Afrasiabi, A. (2019). Position and Powers of Prosecutor in Criminal Proceeding System. *Journal of Criminal Law Research*, *7*(25), 191-230. doi: 10.22054/jclr.2018.12592.1220 (in Persian)

42- Seepma, A. P., de Blok, C., & Van Donk, D. P. (2021). Designing digital public service supply chains: four country-based cases in criminal justice. *Supply Chain Management: An International Journal*, *26*(3), 418-446.

43- Setyawan, V. P., & Wisnubroto, A. (2024). Legality of Discretionary Prosecution Principle in Terminating Prosecution Based on Restorative Justice. *International Journal of Global Community*, *7*(1-March), 79-92.

44- SlAW, I. N. (1976). Case Screening.

45- Tisdale, C. N., & Votruba, A. M. (2024). Prosecutors' considerations when initiating plea bargaining. *Analyses of Social Issues and Public Policy*, *24*(1), 192-214.

46- Worden, A. P. (1989). Policymaking by prosecutors: The uses of discretion in regulating plea bargaining. *Judicature*, *73*, 335.

47- Wright, R. F., & Miller, M. L. (2010). The worldwide accountability deficit for prosecutors. *Wash. & Lee L. Rev.*, *67*, 158